

۲۷ - اتّصاف بخضوع و احتراز از استکبار و از خود راضی بودن¹

و نیز در کتاب اقدس است **قوله تعالی**: **ليس لاحدٍ أن يفتخرَ على احدٍ كلُّ ارقاءٍ له و ادلاءً على أنّه لا اله الا هو**
انّه كانَ على كلِّ شيئيّ حكيماً .

و در کلمات مکنونه است قوله الحق: **يا ابن الروح لا تفتخر على المسكين بافتخار نفسك لآتي امشي قد امك**
و اراك في سوء حالك و العنُّ عليك الى الابد . . . ای پسران آمال جامه غرور را از تن برآید و ثوب تکبر از بدن
 بیندازید بعزت افتخار منمائید . . . ای ابناء غرور بسلطنت فانیه ایامی از جبروت باقی من گذشته و خود را به
 اسباب زرد و سرخ میآرائید قسم بجمال که جمیع را در خیمه یکرنگ تراب در آورم مگر کسانی که به رنگ
 من درآیند و آن تقدیس از همه رنگها است .

و قوله الاعلی: **انّ الانسان مرّة يرفعه الخضوع الى سماء العزّة و الاقتدار و اخرى ينزله الغرور الى اسفل مقام**
الدّلة و الانكسار .

و قوله الاعلی: **يا ابناء الانسان هل عرفتم لمّ خلقنا کم من تراب واحد لثلاً يفخر احدٌ على احد .**

و قوله الاعلی: **ای برادران با یکدیگ مدارا نمائید و از دنیا دل بردارید بعزت افتخار منمائید و از ذلت ننگ**
مدارید قسم بجمال که کل را از تراب خلق نمودم و البته به خاک راجع فرمایم .

و قوله الاعلی: **اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی آن خضوع فی الحقیقه به حق راجع چه که**
ناظر به ایمان اوست البته در این صورت اگر نفس مقابل مثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر شود

¹ در قرآن است **قوله انّ الله لا يحب كل مختال فخور و قوله**: **و لا تمش في الارض مرحاً و قوله**: **و كذلك يطبع الله على قلب كل متكبر جبار و قوله**: **فبئس مثوى المتكبرين و قوله**: **ساصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الارض بغير الحق و في الحديث**: **لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من الكبر . و عن النبي ص لو لم تذنبوا لخشيت عليكم ما هو اكبر من ذلك العجب العجب .** عن امير المؤمنين . **سینة تسوّك خير من حسنة تعجيبك . و قال رسول الله انّ الله تعالى يقول الكبرياء ردائي و العظمة ازاری فمن نازعی فی واحد منهما القیته فی النار . (مجمع البحرین)**

شخص بصیر بعلو عمل خود و جزای آن رسیده و میرسد و ضرر عمل نفس مقابل بخود او راجع است همچنین اگر نفسی استکبار نماید آن استکبار بحق راجع است نعوذ بالله من ذلك یا اولی الالباب

و قوله الاعلی : بلی انسان عزیز است چه که در کل آیت حق موجود لکن خورا اعلم و ارجح و افضل و اتقی دیدن خطائی است کبیر .

و قوله الاعلی : یا مالا اغنیا ان رأیتم من فقیر ذی متریة لا تفرّوا عنه ثم اقعّدوا معه و استفسروا منه عمّا رشح علیه من رشحات ابخر القضاء تالله فی تلك الحالة یشهدنکم اهل مالا الاعلی و یصلین علیکم و یتغفرون لکم و ینکرنکم و یمجدنکم بالسن مقدس ظاهر فصیح .

و قوله الاعلی : پاکی از آرایش پاکی از چیزهائی است که زیان آرد و از بزرگی مردمان بکاهد و آن پسندیدن گفتار و کردار خود است اگر چه نیک باشد .

و قوله الاعلی :

یا مالا اغنیاء ان رأیتم فقیراً لا تستکبروا علیه تفکروا فیما خلقتم قد خلق کلّ من ماء مهین .

و در لوح مدینة الرضا قوله الاعلی : بأن ینکون راضیاً عن احباء الله فی الارض و ینخفض جناحه للمؤمنین لآته لو یتکبر علی الذین هم آمنوا کآته استکبر علی الله و نعوذ بالله من ذلك یا مالا المخلصین .

و از حضرت عبدالیهاء است قوله العزیز : الیوم هر خاضع که بهیچ وجه رآحه وجود در او نیست و به بندگی جمیع دوستان قائم رویش چون مه تابان درخشنده و هدایت بخشنده .

و قوله الجمیل : الیوم تسلی عبدالیهاء محبت و خضوع و خشوع احباء است بیکدیگر و تا حقیقت محبت قلبیه و نهایت محویت و فنا و تعلق روحانی در قلوب احباء بیکدیگر جلوه نماید البته موهبت کبری جهانگیر نشود .

و در سفرنامه است . قوله الحكيم : خاضع و خاشع باشید زیرا انسان تا خود را نیک نمیداند بلکه خویش را عاجز می‌بیند و قاصر میدانند رو به ترقی است ولی به محض اینکه خود را خوب دانست و گفت من کامل هستم غرور و دنوّ حاصل نماید .

و قوله الجليل : هر نفس از برای خویش وجودی بیند و خیال تمیز و تفرّدی آن از آثار نفاق است و علامت نفاق باید شوون خود را فراموش کرد و در مقام فنای محض آمد و الاّ ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک گردد و بادی کفر محض خضوع و خشوع و محو و فنا و اطاعت و انقیاد محبوب .

و قوله اللطيف : عبودیت و کودکی آزادگی است سروری و بزرگی اسارت ابدی فقر و فنا و محو و صفا نورانیت حقیقت انسانی است و این وادی امن و امان شائبه وجود چنان زمام از دست برد تا در قعر سجّین مقرّ دهد و از آیات علیین محجوب نماید .

و قوله الحكيم : آنکس که از خود راضی است مظهر شیطان است و آنکه راضی نیست مظهر رحمن خود پرست ترقی نمیکند اما آنکه خود را ناقص میبیند در صدد اکمال خویش بر میآید و ترقی میکند اگر کسی هزار حسن داشته باشد باید آنها را نبیند بلکه در صدد دیدن نقص خود باشد مثلاً اگر نفسی عمارتی داشته باشد که تمام مزین و محکم باشد ولی در یک دیوار یا سقفش جزئی شکاف باشد البته جمیع را فراموش کرده به مرمت آن یک شکاف پردازد و علاوه برای انسان کمال مطلق محال است پس هر چه ترقی کند باز ناقص است و نقطه بالاتر دارد به محض آنکه بآن نقطه نظر نمود از خود راضی نمیشود .

و قوله العزيز : نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس به نظر احترام نظر کرد .

و خطابى از آن حضرت به بشيرالسلطان در شيراز است قوله المنادى للعبودية :
هو الله

ای بشیر روحانی نامه شما رسید و البته تا بحال عکس فانی بدست مبارک آن حبیب نورانی وصول یافته است دیگر انتظاری نمانده است اما مسأله تاج مبارک نهایت آرزوی عبدالههء این بود که بعد از صعود حضرت مقصود روحی لثربة عتبه الفداء عکسی برندارم مگر در یوم فدا در پای دار و یا خود بر سر دار در حالتیکه تاج مبارک زینت سر گردد در چنین حالت عکس برداشته شود ولی توفیق رفیق هرکس نگردد این آرزو هنوز میسر نشده در پاریس و لندن جمع کثیری از اصحاب جرائد و روزنامه اصرار زیاد داشتند که عکس بردارند ولی این عبد راضی نشد یک روز با چهار دستگاہ عکاسی درب خانه حاضر شده بودند که به مجرد خروج عکس بردارند این عبد آن روز از خانه بیرون نرفت تا شب تاریک شد روز ثانی باز حاضر شدند چاره نیافت جز اینکه عبا بسر کشد و از در خانه بسرعت تمام داخل اتومبیل گردد باز ممکن نشد زیرا روزی به منزل امة الله مسس کروپر مدعو بودیم با نهایت محافظه از اینکه عکس بردارند چون از اتومبیل بیرون آمدیم بکمال سرعت وارد خانه گشتم ولی روبرو خانه بود از آنخانه و اطاقی رو بکوچه آئینه عکس را مسلط نموده بودند از عقب سر عکس بدی برداشته شد روز ثانی در جرائد طبع گردید ولی به هیئت نا مناسب لهذا مجبور شدم که بواسطه عکاسی ماهر عکس برداشته شود تا عکسهای بی جا موقوف گردد با وجود این از الطاف خفیه جمالمبارک روحی لعتبة قدسه الفداء رجا دارم و آرزو مینمایم که عکس با تاج وهاج مانند سراج بردارم اگر چه لیاقت ندارم که مثابه آن اکلیل جلیل کلاهی بر سر نهم ولی آرزویم چنان است شما دعائی بفرمائید که این آرزو حصول پذیرد البته عکس مکمل گرفته خواهد شد اما سیاحت نامه و وقایع سفر نگاشتن موکول به همت خود آقا میرزا اسد الله است و علیک الههء الابهی .